

## عارف قندهاری

محمد قاسم فرشته استرآبادی نگارنده تاریخی معروف (فرشته) اولین کسی است که در جمله منابع و مأخذ تاریخی خویش، اسمی از حاجی محمد (قندهاری) و تاریخ او می برد، و در وقایع تاریخی گجرات و سند و بنگال بحواله (حاجی محمد) نامی چیزی را می نگارد<sup>(۱)</sup>، حالاً ما می رویم تا این (حاجی) مؤرخ قندهاری را به هموطنان خود بشناسانیم.

بعد از تاریخ فرشته<sup>(۲)</sup> در کتاب (مپثر رحیمی) تالیف عبدالباقی ذکری از (حاجی قندهاری) می رود و صاحب مپثر نام کتابش را "تاریخ اکبری" می نویسد، زیرا که در عهد جلال الدین محمد اکبر شاهنشاه گورگانی هند ۹۶۳ - ۱۰۱۴ هـ تألیف شده، و نام مؤلف کتاب را هم حاجی محمد (عارف) قندهاری نوشته است، از نسخه خطی این تاریخ نایاب که در کتب خانه رامپور هند موجود است، نیز به ثبوت می رسد، که نگارنده کتاب محمد عارف نامداشته است.

حاجی محمد (عارف) از باشندگان قندهار بوده و وقتیکه بیرم خان (خانان)<sup>(۳)</sup> از طرف همایون حکمدار قندهار بود، عارف قندهاری در خدمتش بوده و بوظیفه میر سامان تقرر داشت و بعد از ان باوی به هندوستان رفته و بکمال وفا داری همراهی می نمود، و در وقت زوال خان خانان مذکور در پتن گجرات نیز باوی بوده، و بعد از قتلش از انجا ذریعه کشتی عازم بیت الله گردیده، و از انجا پس بهندوستان برگشت و بعد از عودت و زیارت مقامات مقدسه، عارف قندهاری در ملازمین (مظفرخان) تربتی شمولیت ورزیده است.

تاریخ ولادت و ملازمتش (با بیرم خان) ظاهر نبوده، و نه عصر رفتن دیار مقدسه و عودتش بهند و شمولیت در زمره ملازمین (مظفرخان) بصورت یقینی معلوم است.

فقط از بیانات خودش ظاهر میگردد، که تا سال (۹۸۵ هـ) "با مظفر خان" بوده و بسال ۹۸۶ هـ به دربار اکبر مغولی حاضر شده و از انجا با شیخ الاسلام مخدوم الملك عبدالله به پنجاب رفته و به منصب دیوانی آنجا مقرر بوده است.

ولی حاجی (عارف) ازین وظیفه زود مستعفی گردیده و بگوشه انزوا آرمید، و حیاتیکه مملو بقناعت و اطمینان بود بسر برد.

تاریخ وفات مؤرخ قندهاری بصورت یقینی معلوم نبوده، ولی قیاس کرده میشود که چون بسبب غریزه وفا شعاری در مدت انزوایش نیز با (مظفرخان) محشور بوده، بنابراین وقتیکه حکمدار موصوف از طرف باغی ها در حصار (تانده) متحصن و مقتول گردید، خاتمه حیات مؤرخ قندهاری نیز باوی در سال ۹۸۸ هـ متصور است، زیرا که بعد ازین ذکری از وی نرفته است.

عارف قندهاری مسلمان سنی و صوفی مشربی بوده که از سوانح حیاتش اخلاق حسنه، و وفا، و حسن صفوت فطرت افغانی ظاهر است.

حاجی محمد (عارف) قندهاری که فرشته ویرا فقط با اسم حاجی محمد قندهاری نام می برد<sup>(۴)</sup> دو کتابی را در تاریخ بزبان پارسی نگاشته که یکی از ان (مطلع) و دیگری (مقطع) نام دارد، و کتاب دوم را تاریخ حاجی محمد قندهاری یا (تاریخ اکبری) نیز گویند.

نسخه های کتب مذکوره نایاب بوده، و فقط یک نسخه قلمی آن در هند بکتب خانه رام پور موجود است، که

چند ورق ابتدایی آن مفقود بوده است و در آخر کتاب وقایع ۹۸۸ هـ بصورت مختصر ذکر گردیده، و ظاهر میشود که از طرف آخر نیز قدری ناقص است.

در کتب خانۀ دارالفنون کیمبرج انگلستان صفحات ابتدائی آن موجود است که به مدح جلال الدین اکبر گورگانی آغاز میشود، و مؤلف به کتاب (تاج الماثر) تاریخ (آل مظفر)، (ظفرنامه) یزدی، حواله میدهد، و اشعار فردوسی، نظامی، سعدی و خسرو را زیادتراً در ضمن وقایع ذکر مینماید.

از تطابق سنین وقایع کتاب ثابت می‌گردد، که بسال ۹۸۶ هـ تألیف شده زیرا که حاجی عارف وقایع را به تفریق سنین جداگانه می‌نگارد، و در تحریر وقایع، زیاده تر بعبارت آرائی و تصنع تحریر مائل است، بعضی از وقایع را نسبت بتحریرات مؤلفین دیگر، زیاده تر نیز می‌نویسد، مثلاً قتل هیمو بقال بدست اکبر و پوره کردن کسر از طرف بیرم خان.

حال آنکه ابوالفضل در آئین اکبری برخلاف آن می‌نویسد، همچنان بعضی از فرامین اکبر را مکمل و مختصر نیز می‌آورد، که مؤرخین دیگر نیاورده اند.

کتاب اول عارف قندهاری که دران وقایع عهد همایونی ذکر شده (مطلع) است اما در کتاب دویمین (مقطع) از عهد شاهنشاه (محمود) زابلی (غزنوی) تا عهد جلال الدین اکبر ۹۸۶ هـ وقایع عمومیه ضبط و نگاشته شده و تاریخ اولین عهد اکبر شمرده می‌شود، که از طرف یک شخص غیر ماموری بصورت غیر رسمی نگاشته آمده و تواریخ الفی تتوی<sup>(۵)</sup> و طبقات اکبری و آئین اکبری<sup>(۶)</sup> و تاریخ بدیوانی<sup>(۷)</sup> همه پس ازین کتاب نوشته شده اند. عارف قندهاری بسی از وقایع را برخلاف تواریخ دیگر نیز نگاشته، چون خودش در اغلب حوادث، حاضر و شاهد بوده، بنا بر آن بیاناتش محل و ثوق است.

از مطالعه کتب تاریخی که بعد از عارف نگارش یافته ظاهر است، که این کتاب در اوقات تألیف کتبی که پیش از تاریخ فرشته نگاشته شده، مثل طبقات اکبری و غیره خیلی نادر و کمیاب بوده، و شهرتی بسزا داشت، زیرا که پیش از فرشته در هیچ کتاب تاریخی حواله آن نیامده و نه مؤلفین ذکری ازین کتاب کرده اند، بلکه فقط فرشته و عبدالباقی چنانچه ذکر رفت، آنرا دیده اند<sup>(۸)</sup>.

خلاصه:

حاجی محمد عارف قندهاری از افاضل وطن و مؤرخ عصر خویش شمرده می‌شود که شناختن وی و احیای آثارش از وظایف دانشمندان نژاد حاضر است<sup>(۹)</sup>.

ماخذ:

۱. فرشته مقاله چهارم، و هفتم و نهم.
۲. در جلد ششم تاریخ هند ایلیت ایند دوسن نیز ذکر کتاب مذکور آمده است، اداره معارف اسلامیة اجلاس دوم "انجمن".
۳. در معارف اسلامیة اجلاس دوم با نام بیرم خان لفظ خان خانان نیست. "انجمن".
۴. در طبع لکهنو ۱۳۲۱ هـ صفحه ۴ به غلط جامی محمد آمده و ظاهراً سهو کتاب است.
۵. تاریخ الفی نگارش احمد بن نصرالله که تا وقایع ۹۹۷ به امر اکبر تصنیف شده.
۶. این هر دو کتب از طرف ابوالفضل وزیر (اکبرشاه) نوشته شده، از نشرات جمعیت آسیایی بنگال.

۷. نگارش عبدالقادر بدیوانی که تا وقایع ۱۰۰۴ هـ حاوی است.
۸. سطور فوق اقتباس از تحریر است، که فاضل معاصر هندی جناب سید ابوظفر صاحب ندوی، حسب امر علامه محترم سید سلیمان صاحب ندوی، راجع به مؤرخ قندهاری بما نوشته اند، و جناب سید ابو ظفر صاحب نیز از خطابه ای که جناب فاضل دوکتور اظهر علی صاحب پروفیسور فاری دارالفنون دهلی در یکی از مجالس معارف اسلامیہ لاهور القا فرموده بودند، اقتباس کرده اند.
۹. مجله کابل، سال ۱۳۱۸ ش، شماره ۲، ص ۶۲ - ۶۴.